



## Criticism of Soha's View on the Writing Errors of the Quran\*

Mahboobeh Mirzaei<sup>1</sup>

Hamid Elahidoost<sup>2</sup>

Ibrahim Rezaei Adriani<sup>3</sup>

### Abstract

Among the miraculous signs of the Holy Quran is its eloquence (balaghat wa fasahat); Although the challenge of the Quran has been and is proof of the invalidity of the idea that it is on behalf of humans; However, since the beginning of its revelation, unsuccessful attempts have been made against the Holy Quran. Among them is the book "Criticism of the Quran" attributed to a delusional person with the nickname "Doctor Soha" who, in a part of his book, through a process of proving the error in the writing, has denied that the Quran was revealed, and then denied the existence of God and prophethood. In this research, Dr. Soha's three related concepts were analyzed and criticized in a library-based with analytical and comparative methods. The topics of this article are organized according to three verses (Taha/63), (Nisaa/162) and (Baqarah/62) and based on literary rules, and in examining the sayings of syntax experts and commentators, the best answer is by giving priority is mentioned or by summarizing the sayings, a single procedure was adopted so that the statements not only did not contradict each other; rather, according to the rule of "Al-Jamu' Mahma Amkan Awli nin al-Tarh (removing contradict is good by anyway)" they should confirm each other and while proving the miracle of the Quran, the aforementioned claim of the Orientalists will also be invalidated.

**Keywords:** Quran, Challenge, Writing Errors, Criticism of the Quran, Orientalists, Dr. Soha.

---

\*. **Date of receiving:** 19 February 2022 ; **Date of correction:** 20 February 2022; **Date of approval:** 22 May 2022.

1. Level 4 Student, Department of Comparative Interpretation, Fatima al-Zahra Higher Institute, Isfahan, Fatima al-Zahra Research Center for Interdisciplinary Islamic Humanities Studies (Corresponding Author), mahboob41491@gmail.com

2. Faculty Member of Al-Mustafa University (P), hamidelahidoost@yahoo.com

3. Faculty Member of Al-Mustafa University (P), erezaei@ymail.com



## نقد دیدگاه سها درباره خطاهای نوشتاری قرآن\*

محبوبه میرزایی<sup>۱</sup> و حمید الهی دوست<sup>۲</sup> و ابراهیم رضایی آدریانی<sup>۳</sup>

### چکیده

از جمله نشانه‌های اعجاز قرآن کریم، بلاغت و فصاحت آن است؛ گرچه تحدی قرآن شاهد بر بطلان انگاره بشری بودن آن بوده و هست؛ اما از آغاز نزول آن تاکنون تلاش‌های نافرjامی در مصاف با قرآن کریم صورت گرفته است. از جمله کتاب «نقد قرآن» منسوب به شخصی موهوم با نام مستعار «دکتر سها» که در بخشی از کتاب خود طی فرآیندی با اثبات خطا در نوشتار، عدم وحیانی بودن قرآن سپس وجود خداوند و نبوت را انکار نموده است. در این پژوهش سه انگاره متهافت دکتر سها با روش تحلیلی، تطبیقی به صورت کتابخانه‌ای بررسی و نقد شد. مباحث این نوشتار ذیل سه آیه (طه/۶۳)، (نساء/۱۶۲) و (بقره/۶۲) و با استناد به قواعد ادبی سامان یافته و در بررسی اقوال نحویان و مفسران، پاسخ برتر با وجه رجحان ذکر و یا با جمع بندی اقوال، رویه‌ای واحد اتخاذ شد تا اقوال نه تنها با یکدیگر تنافی نداشته؛ بلکه بنا بر قاعده «الْجَمْعُ مَهْمَا أَمَكْنَ أَوْلَى مِنَ الطَّرْحِ» یکدیگر را تأیید کنند و ضمن اثبات اعجاز قرآن، ادعای مذکور مستشرقان نیز باطل گردد.

واژگان کلیدی: قرآن، تحدی، خطاهای نوشتاری، نقد قرآن، مستشرقان، دکتر سها.

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸.

۱. طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی موسسه عالی فاطمه الزهراء اصفهان، مرکز پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای علوم انسانی اسلامی فاطمه الزهراء [نویسنده مسئول]: (Mahboob41491@gmail.com).

۲. استادیار جامعة المصطفی ص العالمية؛ (Hamidelahidoost@yahoo.com).

۳. استادیار جامعة المصطفی ص العالمية؛ (erezaei@ymail.com).

## مقدمه

بی تردید بلاغت و فصاحت قرآن، اعجاز آن را به خوبی نمایان می‌کند، چنانکه یکی از مواردی که در قرآن به آن تحدی شده، فصاحت و بلاغت آن است. عدم ناتوانی بشر در همانندآوری برای قرآن، دعوی فوق بشری بودن آن را اثبات می‌کند (یونس/۳۸). از بدو نزول قرآن کریم، این کتاب آسمانی مخالفانش را به مبارزه طلبید. ادیبان بزرگی مانند الطفیل بن عمرو الدوسی، شاعر اشراف عرب در برابر قرآن سر فرود آورده و به فصاحت و بلاغت آن اذعان کرده (معرفت، تلخیص التمهید، ۱۳۹۱: ۱۰۳)؛ و بر این باورند که قرآن کریم بزرگ‌ترین کتاب عربی و اثر ادبی است که زبان عربی را جاودانه ساخت و زیور میراث آن گردیده و خود با زبان عربی جاودانه مانده است (اسعدی، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ۱۳۹۷: ۲/۲۹۸)؛ اما در مقابل عده‌ای یا مغرضانه مانند ابوسفیان بن حرب، ابوجهل بن هشام والاخنس بن شریق الثقفی عناد ورزیده و قرآن را مورد طعن قرار داده‌اند (همان: ۱۰۸)؛ و یا به علت عدم آگاهی از قواعد و لغت عرب مدعی هستند که در قرآن ضعف‌های فراوانی از نظر نوشتار و دستور زبان عربی وجود دارد. این غلط‌ها نشانگر عدم اعجاز و نزول قرآن از طرف خداوند است. برخی نیز به قرائات غیر مشهور استناد کرده‌اند (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۲/۶۶؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۲/۲۲۰).

## طرح مسئله

با گسترش فضای مجازی در بستر جامعه و دسترسی آسان همگان به آن، برخی از مستشرقان به پیروی از سلف، طی فرآیندی از پیش سازمان‌دهی شده اعتقادات مذهبی مسلمانان را مورد هجمه قرار داده و به القای شبهاتی در محتوا و صورت قرآن کریم می‌پردازند تا به مقاصد شوم خود نائل شوند. رابرت هیوم می‌نویسد: اسلام یگانه دین استبدادی است که بر مبنای مخالفت با مسیحیت آغاز به کار نمود. از دیدگاه نقادی ادبی می‌توان گفت کاری از اعتقادات و فولکلور سنتی عرب و پاره‌ای از آثار خاخامی از تلموذ یهودی‌ها و مسیحیان است و ریشه در تعالیم دین زرتشتی دارد (هیوم، ادیان زنده جهان، ۱۳۶۹: ۳۱۰ - ۲۹۵). خدای محمد بتی مانند بت‌های دیگر است (جفری پاریندر، دین پژوهی تطبیقی، ۱۳۸۹: ۷۲)؛ همچنین اطمینان قلبی پیامبر به وحی، از طرف خداوند به واسطه ورقه بن نوفل بود که با اهل تورات و انجیل نشست و برخاست داشت (عبدالمحمدی، مستشرقان و پیامبر اعظم، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

کتاب «نقد قرآن» با نام مستعار دکتر سها در فضای مجازی منتشر شده است. وی ابتدا خود را خداپاور معرفی می‌کند که به دنبال حقیقت است، ولی با ایجاد شبهه به ساحت مقدس قرآن درصدد است تا عدم وحیانی بودن آن را با اشکالات فراوان جلوه دهد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۵) هدف او انکار خداوند است. وی ادعای فصاحت و بلاغت قرآن و مافوق توان بشری بودن آن را به چالش می‌کشد و می‌گوید: برخی از آیات قرآنی عیناً از گفته‌های شاعران قبل از محمد گرفته شده است (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۸۲۹). او با مغالطه در قالب قیاس استثنایی با رفع تالی، رفع مقدم می‌کند. وی می‌گوید اگر قرآن از طرف خداوند باشد ضعیفی در نوشتار آن نیست لیکن در نوشتار آن ضعف است پس از طرف خداوند نیست. با اثبات ضعف در نوشتار، عدم وحیانی بودن قرآن، توهین به ساحت مقدس پیامبر ﷺ و انکار نبوت و مذاهب ساخته دست بشر، نیز اثبات می‌شود. در نتیجه تمام گزاره‌های قرآنی که راهی به سوی هدایت بشر است خدشه‌دار می‌گردد.

با توجه به پندار خطاهای ادبی قرآن در این کتاب، سه مورد از این آیات که منطبق با حدیث منتسب به عایشه در کتاب نقد قرآن آمده (طه/۶۳؛ نساء/۱۶۲؛ بقره/۶۲) مطمح نظر است.

### پیشینه

قرآن کتاب هدایت است و سبب رشد روحی و معنوی انسان و زمینه‌ساز نیل به سعادت و تکامل اوست؛ لازمه هدایت قرآن، اعجاز بیانی آن است که اقتضا دارد عاری از هرگونه ابهامی در بلاغت و فصاحت آن باشد؛ زیرا افزون بر این که از خداوند حکیم و علی‌ام، ناقص صادر نمی‌گردد؛ قرآن نیز به صورت متواتر از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و افرادی که قرآن را با الفاظ، عبارات و اعراب‌گذاری آن برای ما نقل کرده‌اند، فراوان‌اند، بنابراین احتمال توطئه و توافق آن‌ها بر دروغ کاملاً منتفی است (ساکمی و شاکر، تواتر قرآن و چالش‌های فرارو، ۱۳۹۳: ۵۹ - ۸۴). آنچه به نظر می‌رسد با توجه به این که عرب دارای لهجه‌های متفاوتی است قرآن در اوج بلاغت به لغت عرب نازل شده است (بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ؛ به زبان عربی روشن و گویا. شعراء/۱۹۵). از این رو در بعضی از آیات به خاطر اغراضی مانند زیادت بیان اعراب کلمات بر طبق لهجه‌های متفاوت عرب است و در آن تضادی نیست. در خصوص پاسخ به شبهات کتاب نقد قرآن دکتر سها پژوهش‌هایی صورت گرفته است. در آثار یادشده یا اصلاً به شبهات ادبی مورد بحث پرداخته نشده مانند مقاله «باورمندی به قرآن و سنت، نقد دکتر سها» که ضمن نقد آراء دکتر سها با دلایل عقلی و نقلی، اعجاز قرآن را اثبات می‌کند. در این مقاله به سه شبهه برگرفته از حدیث منتسب به عایشه که مورد طعن دکتر سها در بخش فصاحت و بلاغت

است؛ پاسخ داده نشده است (پرسمان دانشگاهیان، ۱۳۹۴). یا مانند کتاب «توطئه جدید» برخی از شبهات پاسخ داده شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴ ش: ۶۱ - ۶۸) همچنین در مقاله «بررسی و نقد شبهه انکار اعجاز بلاغی قرآن با ادعای جهان شمولی قرآن کریم» سه شبهه برگرفته از حدیث منتسب به عایشه در فصل خطاهای ادبی کتاب «نقد قرآن» سها را بررسی نکرده است؛ وی درصدد پاسخ به مسائلی از جمله مطابقت نداشتن اعجاز بلاغی قرآن با جهان شمولی و عدم تناسب با تمامی نیازهای انسان در طول تاریخ است که سها مطرح کرده است؛ می باشد (موسوی مقدم، [www.andisheqom.com](http://www.andisheqom.com)) همچنین در کتاب «بررسی مبانی کتاب نقد قرآن دکترسها» در فصل دوم، دو آیه مورد اعتراض دکتر سها را مطرح و به طور مختصر در یک صفحه بیان شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۲۶)

در برخی نوشتارها دیدگاه‌های ادیبان همراه نکات تفسیری به طور مختصر بیان گردیده است و بررسی جامعی اعم از دیدگاه‌های لغویان، ادیبان عرب و مفسران درباره انگاره‌های ادبی دکتر سها ارائه نشده است. البته اخیراً گروه عباد الرحمن در کتاب «کشف نیرنگ و رد بهتان در رد کتاب نقد قرآن» به نقد این مسئله پرداخته‌اند و سه شبهه برگرفته از حدیث منتسب به عایشه در فصل خطاهای ادبی کتاب «نقد قرآن» سها را بررسی نموده‌اند. ولی در بررسی برخی از آیات، بدون در نظر گرفتن نکات بلاغی، دیدگاه مفسران را به طور مختصر بیان شده و برخی آیات بدون بررسی دیدگاه مفسران، از نظر بلاغت و فصاحت مورد بررسی قرار گرفته است که از بین دیدگاه ادیبان عرب یک دیدگاه آن‌هم بدون مرجح بیان گردیده است. همچنین در پایان‌نامه‌ی «نقد شبهات ناظر به برخی اشکالات ادبی در قرآن بر اساس کتاب دکتر سها» سه شبهه برگرفته از حدیث منتسب به عایشه در فصل خطاهای ادبی کتاب «نقد قرآن» سها را بررسی نموده است؛ ولی برخی از دیدگاه‌های مفسران و ادیبان عرب بدون مرجح بیان گردیده است (فرهادیان، تاریخ دفاع، ۱۳۹۵). نیز مقاله «نقد دلایل مستشرقان در ادعای اغلاط نحوی قرآن» به ۱۴ مورد از شبهات مستشرقان، درباره غلط‌های نحوی به صورت مختصر پاسخ داده است (کریم پورقراملکی و امینی، نقد دلایل مستشرقان در ادعای اغلاط نحوی قرآن، دو فصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۲۷، ۱۳۹۸: ۹۵)؛ بنابراین تحقیق جامعی درباره صحت و سقم ادعاهای دکتر سها کاملاً ضروری است.

این نوشتار با رویکردی متفاوت در پی آن است تا با بررسی آرای نحویان و مفسران فریقین به نقد و داوری سه انگاره دکتر سها که برگرفته از حدیث منتسب به عایشه است؛ بپردازد. ضمن بررسی اقوال متعدد و ذکر دلایل آنان، قول برتر را با ذکر وجه رجحان آن برگزیده و یا بنا بر قاعده «الْجَمْعُ مَهْمَا أَمَكْنَ

أولى مِنَ الطَّرْحِ» به جمع بندی اقوال پردازد. در نتیجه با تواتر و عدم خطا در نوشتار ضمن اثبات اعجاز بیانی قرآن و احراز عدم شبهه، ادعای مستشرقان نیز باطل می‌شود تا مخاطبین با اطمینان خاطر سیر و سلوک معنوی را طی کرده و به هدف غایی از نزول قرآن دست پیدا کنند.

### مفاهیم

مستشرقان: واژه مستشرق که در زبان فارسی با اصطلاح «خاورشناس» یا «شرق شناس» از آن یاد می‌شود ترجمه کلمه «Orientalism» است. مستشرق اغلب به «به هر اسلام‌شناس غیرمسلمان اعم از غربی و شرقی اطلاق می‌شود» (زمانی، مفهوم‌شناسی، تاریخچه و دوره‌های استشرق)، ۱۳۸۵: ۲۳؛ رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ۱۴۱۳: ۲۳/۱). نیز به هر محققى که میراث شرق به‌ویژه هر چیزی که به تاریخ، زبان‌ها، ادبیات، هنر، علوم، سنت‌ها و آداب و رسوم آن مربوط می‌شود را مطالعه می‌کند، مستشرق گویند (رضوان، آراء المستشرقون حول القرآن و تفسیره، ۱۴۱۳: ۲۴). بررسی این میراث باید با ابزاری مانند تسلط بر زبان شرق و تخصص در برجسته‌ترین آثار تاریخ هنر ادبیات و علوم که زبان عربی است؛ باشد تا به ثمره‌های مطلوب برسد و تا زمانی که به زبان‌های شرق تسلط نداشته باشند به نتایج صحیحی نمی‌رسد (علی‌الصغیر، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، ۱۴۲۰: ۱۱). مستشرقان با توجه به تفاوت‌های موجود در دیدگاه‌ها، باورها و خاستگاه فکری‌شان از دریچه‌ای متفاوت اعم از مثبت و منفی به اسلام نگریسته‌اند و در برخی موارد مسلمات آن را نپذیرفته‌اند. آثار علمی هر دو گروه با ملاک یکسان در دستور کار نقادان اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است (زمانی، مفهوم‌شناسی، تاریخچه و دوره‌های استشرق)، ۱۳۸۵: ۲۷).

مفسران فریقین: به مفسران قرآن کریم اعم از شیعه و اهل سنت اطلاق می‌شود.

کتاب نقد قرآن: کتاب نقد قرآن با نام مستعار دکتر سها در فضای مجازی منتشر شده است. «به نظر می‌رسد کتاب نقد قرآن حاصل کار گروهی بوده و صاحبان قلم با اصطلاحات حوزوی و علوم قرآنی آشنا بوده‌اند.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۵).

### دکتر سها

دکتر سها مستشرقی است که در مقالاتی اقدام به بیان ایراداتی علیه قرآن نموده است. «وی تقریباً همه شبهات قرآنی را جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است و تصریح کرده که دکتر سها نام دارد ولی سها نام واقعی او نیست؛ به زبان فارسی و روان و تا حدودی مؤدبانه خود را خداپاور معرفی می‌کند که به دنبال حقیقت است.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۵).

وی ابتدا در مقدمه کتاب «نقد قرآن» می نویسد: «اگر قرآن کتاب خدا باشد باید صد درصد و از هر جهتی درست باشد زیرا کلام خداست و خدا عالم و عاقل است و خطا نمی کند.» (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۲۵) و «اگر کار خدا بود بدون غلط و ضعف بود» (همان: ۸۲۹). او بیان می کند بخش مهمی از کار مفسران بزرگ، اصلاح و سرپوش گذاشتن بر این خطاهاست. جای تعجب است که عالمان باوجود این خطاها بازهم ادعا می کنند که نوشتار قرآن معجزه است. اعتقاد مذهبی انسان ها را احتمق می کند! (همان: ۸۸۰)، ولی در آخرین صفحه کتاب «نقد قرآن» بعد از بیان اینکه ادیان هر آنچه خواسته اند به خدا نسبت داده اند، اصل وجود خدا را انکار کرده است (همان: ۹۳۳).

### انکاره خطاهای ادبی قرآن کریم برگرفته از احادیث صدر اسلام

دکتر سها اولین کسی نیست که چنین ادعایی می کند؛ اشکالات ادبی او ناظر به سؤالی است که برای بعضی از مسلمانان در آغاز و ابتدای اسلام مطرح بوده است. او سه اشکال در اول کتاب نقد قرآن در فصل خطاهای ادبی قرآن کریم می آورد که دقیقاً از روایت عایشه و دیگر روایات نامعتبر نشئت گرفته است؛ مانند روایت نقل شده از عایشه که عروه می گوید: از عایشه درباره جمله «الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» در آیه شریفه «نساء/۱۶۲» و نیز از کلمه «الصَّابِئِينَ» در آیه شریفه (مائده/۶۹) و از کلمه «إِنْ هَذَا» در آیه شریفه (طه/۶۳) پرسیدم که چرا «الْمُقِيمِينَ وَ الصَّابِئِينَ» منصوب و «هَذَا» به رفع خوانده شده، با اینکه کلمه «إِنْ» مخفف کلمه «إِنَّ» است و اسم خود را نصب می دهد. عایشه در پاسخ من گفت: ای خواهرزاده من، این اشتباهها از ناحیه نویسندگان قرآن پیداشده است» (ابن مالک، شرح الکافیة الشافیة، بی تا: ۷۵/۱؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۲: ۶۶/۱۴۲۰).

همچنین از عثمان روایت «روی عن عثمان أنه نظر فی المصحف، فقال: أرى فيه لحنا و ستقیمه العرب بألستها؛ در کتاب خدا اشتباههایی از نظر خط و کتابت رخ داده که به زودی عرب با قواعد ادبی خود اصلاحش می کند.» (ابن مالک، شرح الکافیة الشافیة، بی تا: ۷۵/۱) و روایتی دیگر نیز از عثمان می آورند «عن أبي عمرو أنه قال: إني لأستحيي أن أقرأ؛ حيا می کنم که «إِنْ هَذَا لَسَاجِرَانِ» بخوانم.» (ابن مالک، شرح الکافیة الشافیة، بی تا: ۷۵/۱؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۲: ۶۶/۱۴۲۰) که بعضی از افراد «با یک بیان سفسطه آمیز آیات فوق را دلیل بر عدم ایجاز بلاغت قرآن دانسته اند» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۷/۵). در صورتی که معارضان قرآن خود از افراد بلیغ و آشنا به قواعد عربی بوده اند. در صورت صحت شبهات فوق، آنها خودشان به آنها اشاره می نمودند؛ بنابراین نمی توان ادعای ناهمخوانی آیات قرآن، با قواعد عربی را مستدل کرد (کریم پورقراملکی و امینی، «نقد دلایل مستشرقان در ادعای اغلاط نحوی قرآن»، ۱۳۹۸: ۹۵).

## ۱. انگاره‌های ادبی مطرح در کتاب نقد قرآن

نامبرده در فصل خطاهای نوشتاری قرآن می‌نویسد: «قرآن مدعی است که معجزه است. عده‌ای ادعا کرده‌اند که قرآن از نظر نوشتاری معجزه است یعنی جملات قرآن از نظر زیبایی و فصاحت و بلاغت به نحوی هستند که هیچ قشری در هیچ زمانی قادر نیست همانند آن را بیاورد. به بیان دیگر قرآن برترین نوشتار را در تمام ادوار زندگی بشر بر کره زمین را داشته و مافوق توان بشری است» (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۸۲۸)؛ سپس این ادعا را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که «علاوه بر صدها غلط دیگر در قرآن ایرادات و ضعف‌های فراوانی از نظر نوشتار و دستور زبان عربی وجود دارند که اثبات می‌کنند قرآن کار خدا نیست چون اگر کار خدا بود بدون غلط و ضعف و ایراد بود. نوشتار قرآن نه تنها فوق توان بشری نیست بلکه نوشتار آن بسیار پایین‌تر از نوشته‌های ادیبان بزرگ جهان است و برخی از آیات قرآنی عیناً از گفته‌های شاعران قبل از محمد گرفته شده است.» (همان: ۸۲۹).

### انگاره اول

یکی از چالش‌هایی که دکتر سها وارد کرده است آیه شریفه است:

«قَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا لَسَاحِرَانِ يَرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكَ مِنْ أَرْضِكَ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى»؛  
«گفتند: مسلماً این دو نفر جادوگرند، می‌خواهند شمارا با جادویشان از سرزمینتان بیرون کنند و آیین برتر شمارا از بین ببرند» (طه/۶۳).

وی بیان می‌کند که بنا بر قواعد عرب اسم «إِنَّ» باید منصوب باشد (إِنَّ وَّ أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَكِنَّ، لَعَلَّ، ناصب اسم‌اند و رافع در خبر)، ولی در مواردی مانند آیه مذکور در قرآن اسم «إِنَّ» مرفوع آورده شده است. «هَذَا» اسم اشاره و مرفوع است. باید «هَذَا» باشد (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۸۳۰).

از دیدگاه نحویان عرب و مفسران در این اشکالات ابتدایی، بلاغتی نهفته است که پاسخگوی این قبیل ادعاهاست. اینک دیدگاه ادیبان عرب و سپس مفسران بیان می‌شود تا منشأ این توهمات مشخص شود. علمای نحو و مفسران فریقین در اینکه چرا کلمه «هَذَا» مرفوع آمده است اقوال مختلفی را ذکر کرده و این‌گونه رفع ایراد کرده‌اند:

دیدگاه اول: برخی بر این باورند که در آیه «إِنَّ» مخففه از ثقیله و مهمله است. «هَذَا» اسم اشاره مبتدا در محل رفع است. «لَسَاحِرَانِ» خبر «هَذَا» و بر سر خبر «لام» آمده تا نشانگر این باشد که «إِنَّ» مخففه از ثقیله و مهمله است که به آن لام فارقة یا مزحلقه می‌گویند (ابن‌مالک، شرح الکافیة الشافیة، بی‌تا: ۷۴/۱؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۲: ۶۶/۱۴۲۰).



دیدگاه دوم: بنا بر لغت حارث بن کعب «هذان» اسم «إِن» است (ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۵۱/۴؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۲: ۶۶/۱۴۲۰)؛ و الف «هذان» تشبیه و اعراب آن تقدیری است (قمی مشهدی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۳۶۸: ۳۲۶/۸). بعضی می گویند اسم «إِن» ضمیر شأن محذوف است و خبر آن «هذان لَسَاحِرَانِ» است، اشکالی که بر آن وارد است «لام» بر سر خبر مبتدا نمی آید (همان).

دیدگاه سوم: برخی بر این باورند که «اگر «إِنَّ» مخفف بشود عمل نکردن آن ترجیح دارد» (شرتونی، مبادی العربیه، ۱۴۲۳: ۱۱۱/۴)؛ وقتی که «إِنَّ» مخفف شود اگر در کنار آن اسم بیاید غالباً و کثیراً ملغی از عمل می شود. (غلابینی، جامع الدروس العربیه، ۱۳۳۰: ۳۲۵/۲)؛ زیرا «إِنَّ» اختصاص به اسم دارد. گاهی نیز «إِنَّ» مخففه عمل می کند، ولی بسیار نادر است در آیه شریفه ﴿وَإِنَّ كَلَامًا لَّيُوقِنُتَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالُهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾؛ «و یقیناً پروردگارت [پاداش] اعمال همه آنان را [در قیامت] کامل و تمام پرداخت خواهد کرد؛ زیرا او به آنچه انجام می دهند، آگاه است» (هود/۱۱۱) عمل کرده است و می تواند «إِنَّ» بر سر فعل هم بیاید در این صورت واجب است که ملغی از عمل شود (سیوطی، البهجة المرضیه، ۱۳۶۸: ۱۲۳/۱).

گرچه برخی نیز با استناد به قرائات غیر مشهور، آیه مذکور را با قرائات دیگری نیز خوانده اند. «أبو عمرو و عیسی بن عمر با استناد به روایت عایشه «إِنَّ هذین لَسَاحِرَانِ» منصوب خوانده اند. عبدالله بن مسعود «أَنَّ هذان سَاحِرَانِ» آن را به فتح الف و جزم نون و ساحران را بدون الف و لام خوانده است. (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۲: ۶۶/۱۴۲۰). نافع و ابن عامر و حمزة و کسائی «إِنَّ هذان» با تشدید نون خوانده اند. (ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ۲۲: ۱۴۲۲: ۲۲۰/۲) و «أبو عمرو «إِنَّ هذین» خوانده است. (قمی مشهدی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۳۶۸: ۳۲۶/۸).

### بررسی اقوال

از بین اقوال مذکور «إِنَّ» مخففه از ثقیله و مهمله است. «هذان» مبتدا در محل رفع است؛ مشهور است. گرچه همه اقوال ادیبان صحیح است. با توجه به اینکه «قواعد عربی از قرآن و حدیث و اقوال عرب و شعر و نثر استخراج شده اند. این قواعد شامل همه حالات کلام عرب نمی شود؛ زیرا لغت وسیع تر است از اینکه قواعد را در بر بگیرد و نزد ما قرآن بر قواعد حاکم است نه اینکه قواعد را حاکم بر قرآن قرار دهیم.» (صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴۱/۶). از محققان معاصر امین خولی می نویسد: قرآن کریم بزرگترین کتاب عربی و عظیمترین اثر ادبی است که زبان عربی را جاودانه ساخت و زیور میراث آن گردیده و خود با زبان عربی جاودانه مانده است (اسعدی، آسیب شناسی

جریان‌های تفسیری، ۱۳۹۷: ۲/۲۹۸). افزون بر اینکه قرآن به یک قرائت منحصر نیست؛ بلکه طبق قرائت‌های دیگر به آسانی می‌توان انطباق قرآن با قواعد عربی را اثبات نمود (کریم‌پورقراملکی و امینی، «نقد دلایل مستشرقان در ادعای اغلاط نحوی قرآن»، ۱۳۹۸: ۹۵). اختلاف قرائت در صورت تغییر معنا، مطرود است؛ ولی اگر تغییری در معنای آیه و مفاد و مدلول جدی آن ایجاد نکند؛ خللی در قرائت قرآن به خصوص در خارج از نماز ایجاد نمی‌کند (همان: ۱۱۰).

## انگاره دوم

یکی دیگر از چالش‌هایی که دکتر سها وارد کرده، آیه شریفه ذیل است:  
﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ «یقیناً کسانی که [از روی ظاهر] به اسلام گرویده‌اند و یهودی‌ها و صابئان و نصاری، هرکدام [از این گروه‌ها در زمان هر پیامبری از روی یقین و اخلاص] به خدا و روز قیامت ایمان آورده و کار شایسته انجام داده باشند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند» (مائده/۶۹).

وی ادعا می‌کند که آیه (مائده/۶۹) تکرار آیه (بقره/۶۲) است. این دو آیه فقط در لغت «الصَّابِئِينَ» و «الصَّابِئُونَ» اختلاف دارند که از نظر قواعد نحوی «الصَّابِئُونَ» غلط است چون به اسم «إِنَّ» عطف شده و باید مانند آیه (بقره/۶۲) منصوب باشد (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۸۲۹). صاحب نظران نحو و مفسران فریقین در اینکه چرا کلمه «الصَّابِئُونَ» مرفوع آمده است احوال مختلفی را ذکر کرده و این‌گونه رفع ایراد کرده‌اند:

دیدگاه اول: برخی بر این باورند که «الصَّابِئُونَ» برحسب ظاهر عطف بر محل «الَّذِينَ آمَنُوا» است؛ که قبل از آمدن «إِنَّ» مبتدا و مرفوع بود (ابوحیان، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۱۰: ۳۲۵/۴؛ صافی، الجداول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۶/۴۱۱؛ نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۱۴۱۶: ۲/۶۱۸؛ طباطبایی، المیزان، ۶: ۶۷/۱۴۱۷)؛ و لیکن جماعتی از علمای نحو این را جایز ندانسته و گفته‌اند: «قبل از آنکه خبر «إِنَّ» در کلام بیاید چیزی را نمی‌توان بر محل اسم آن عطف کرد. ولیکن اجتهادشان اجتهاد در مقابل نص است، برای اینکه خود این آیه دلیل بر جواز آن است، زیرا در این آیه «الصَّابِئُونَ» که در حالت رفع است به محل اسم «إِنَّ» که کلمه «الَّذِينَ» است عطف شده است» (همان).



دیدگاه دوم: برخی مانند کسایی بر این باورند که «عطف بر ضمیر «هادوا» است.» (نیشابوری، إيجاز البيان عن معانی القرآن، ۱۴۱۵: ۲۷۹/۱) زجاج می گوید: اولاً: این مطلب صحیح نیست، «زیرا بنابراین باید «صابئی ها» در یهودیت، شریک «یهود» باشند. حال آنکه چنین نیست. صابئی، غیر از یهودی است. ثانیاً: عطف بر ضمیر مرفوع، بدون تأکید آن قبیح است» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/۳۴۷؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۲/۲۲۰).

برخی مانند فراء بر این باورند که هرگاه اسم «إِنَّ» از کلماتی باشد که اعراب آن ظاهر نشود، عطف اسم مرفوع بر آن جایز است. مثل: «انی و زید قائمان» زیرا «إِنَّ» در عمل ضعیف است؛ اما این قول نیز به وسیله زجاج رد شده است (ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۱۰: ۴/۳۲۵؛ نیشابوری، إيجاز البیان عن معانی القرآن، ۱۴۱۵: ۲۷۹/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/۳۴۷).

دیدگاه سوم: برخی مانند سیبویه و خلیل و همه بصریان در اعراب «وَالصَّابِئُونَ» بر این باورند که «الواو» استینافیه است. «الصَّابِئُونَ» مبتدا و مرفوع و خبرش محذوف است؛ که خبر «إِنَّ» دلالت بر خبر «الصَّابِئُونَ» می کند. «الصَّابِئُونَ» در تقدیر، در انتهای کلام قرار دارد؛ یعنی: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ ... وَالصَّابِئُونَ وَ النَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ...» (نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۱۴۱۶: ۲۷۹/۱؛ صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۶/۴۱۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/۳۴۷)؛ و یا «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى حُكْمُهُمْ كَذَا، وَالصَّابِئُونَ كَذَلِكَ.» (درویش، اعراب القرآن و بیانه، ۱۴۱۵: ۲/۵۲۶؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۲/۲۲۰؛ بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۱۳۶؛ نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۱۴۱۶: ۲/۶۱۸)؛ و مقدم شدن «الصَّابِئُونَ» بر خبر «إِنَّ» نشانگر این است «که اینان زیاده روی در گمراهی می کنند و در پیروی از هوی و هوس گستاخ اند و هیچ عقیده ای را نمی پذیرند» (درویش، اعراب القرآن و بیانه، ۱۴۱۵: ۲/۵۲۶). همچنین نشان می دهد که تأکید مستفاد از «إِنَّ» درباره صابئی ها وجود ندارد. تنها انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح، سعادت آفرین نخواهد بود.» (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۶: ۴/۳۹۶).

آلوسی می نویسد: «قرآن جملگی معجزه است و اینکه اعراب بعضی از قسمت های یک آیه با آیه دیگری مانند کلمه «الصَّابِئُونَ» (۶۹/مانده) با کلمه «الصَّابِئِينَ» (بقره/۶۲) متفاوت باشد ضرر به اعجاز قرآن نمی زند. علمای کلام در وجه اعجاز قرآن دلایل بسیار روشنی آورده اند که در این نوشتار جای بحث آن ها نیست» (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۱/۳۲).

البته کلمه «الصَّابِئُونَ» در آیه (مائده/۶۹) با قرائت دیگری نیز خوانده شده است. «جمهور و قراء سبعة و همچنین در مصحف‌های شهرها کلمه «و الصَّابِئُونَ» را مرفوع خوانده‌اند؛ اما عثمان بن عفان و عایشه و ابی بن کعب و سعید بن جبیر و الحجدری «الصَّابِئِينَ» منصوب خوانده‌اند.» گفته شده است که در مصحف ابن مسعود «و الْمُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» به رفع قرائت شده است. سعید بن جبیر و عاصم حجدری نیز «و الْمُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» را به رفع قرائت کرده‌اند (ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۲۲۰/۲).

### بررسی اقوال

علاوه بر صحت اقوال مذکور نیم‌نگاهی در ظاهر آیات مذکور به راحتی این نکته را به دست می‌دهد که او این آیات تکرار یکدیگر و مانند هم نیستند؛ زیرا در ادبیات عرب روابط هم‌نشینی و تأثیرپذیری از واژه پیش از خود امری بدیهی است. میان «هَادُوا» و «الصَّابِئُونَ» (مائده/۶۹) تناسب لفظی برقرار است؛ زیرا هر دو واژه جمع مذکر که با «واو» عطف شده‌اند؛ «هَادُوا» فعل ماضی و مبنی است؛ گویا «الصَّابِئُونَ» نیز اسمی مبنی است که اعراب آن ظاهر نمی‌شود. همان‌سان که نصب واژه «الصَّابِئِينَ» (بقره/۶۲) به مناسبت هم‌جواری با «النَّصَارَى» که مفردش نصرانی است ترجیح داده شده است؛ تا شبیه مفرد «الصَّابِئِي» باشد (داوری و دیگران، تحلیل انتقادی انگاره خطاهای نحوی قرآن در کتاب نقد قرآن، ۱۳۹۸: ۱۸۷).

### انگاره سوم

یکی دیگر از چالش‌هایی که دکتر سها وارد کرده، این آیه است:

«لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُتْرِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُتْرِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ «ولی از میان آنان، استواران در دانش، مؤمنان [از بارانت]، [به‌ویژه] نمازگزاران، زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان می‌آورند؛ که به‌زودی همه آنان را پاداشی بزرگ خواهیم داد.» (نساء/۱۶۲)

او ادعا می‌کند که «المُقِيمِينَ» منصوب است و بقیه اسماء مرفوع آورده شده‌اند، درحالی‌که همگی باید مرفوع باشند (اگر خبر محسوب شوند) یا منصوب باشند (اگر مبتدا محسوب شوند) (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۸۳۰) ناگفته نماند منظور او از مبتدا، اسم لکن است.

علمای نحو و مفسران در اینکه چرا جمله: «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» منصوب آمده است، اقوال مختلفی را ذکر کرده و این گونه رفع ایراد نموده اند: هرگاه (لکن) مخففه از ثقیله باشد «حرف استدراک است و عامل نیست.» (صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۶/۲۴۰). بنابراین «الرَّاسِخُونَ، الْمُؤْمِنُونَ» به ادعای سها نمی توانند منصوب باشند اگر مبتدا محسوب شوند. منظور دکترا سها از مبتدا اسم لکن است، ولی بنا بر دیدگاه أخفش و یونس «جایز است (لکن) مخففه از ثقیله عمل کند و اسم خود را منصوب و خبرش را رفع دهد.» (همان)؛ اما واجب نیست.  
درباره منصوب بودن کلمه: «الْمُقِيمِينَ» شش دیدگاه بیان شده است.

دیدگاه اول: گاهی در مواردی به خاطر اختصار و وجود قرینه فعل حذف می شود «یکی از مواردی که حذف فعل واجب می شود چیزی را به چیزی مخصوص کردن (باب اختصاص) است. مثل: (نحن العرب اسخی من بذل؛ ما عربها در بخشش سخاوتمندترین هستیم) که نُحْصُ الْعَرَبَ بوده و فعل حذف شده است.» (صفایی حائری، استاد و درس، ۱۳۸۱: ۲۳۱؛ شیخلی، اعراب القرآن الکریم، ۱۴۲۷: ۲/۵۲۲). «غرض از اختصاص فخر یا تواضع یا زیادت بیان است.» (شرتونی، مبادی العربیه، ۱۴۲۳: ۱/۱۹۱).

در آیه مذکور جمله «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» منصوب به فعل «أَخْصُ یا أَعْنِي» برای زیادت بیان است «که فضیلت نماز را بیان می کند؛ زیرا نمازگزاران بر وجه کمال نماز را انجام می دهند و اینان سزاوارترین مؤمنان به راسخ بودن ایمانشان هستند. منصوب بودن «الْمُقِيمِينَ» بنا بر مدح عنایتی است که در کلام بلیغ برای نکته ای می آید که به خاطر مزیت نماز است و تغییر اعراب در کلمه بین امثالش ذهن را به وجود تأمل در نماز متنبه می کند و فکر را برای به سوی مزیت نماز هدایت می کند و این یکی از ارکان بلاغت است مثل اینکه سخنران با کم و زیاد کردن صدایش مخاطب را متنبه می کند» (درویش، اعراب القرآن و بیانه، ۱۴۱۵: ۲/۳۷۶).

اشکال بر دیدگاه اول: اینکه زمخشری می گوید «الْمُقِيمِينَ» از باب اختصاص منصوب است باید «اسم مخصوص ظاهر و معرفه باشد که بعد از ضمیر متکلم یا مخاطب بیاید و منصوب به فعل محذوف «أَخْصُ» است.» (شرتونی، مبادی العربیه، ۱۴۲۳: ۱/۱۹۱)، ولی در این موضع قبل از «الْمُقِيمِينَ» ضمیری ذکر نشده است.

جواب بر اشکال دیدگاه اول: اکثر نحویان از جمله زمخشری و ابن جریر این اشکال را باطل می کنند و منصوب بودن «وَالْمُقِيمِينَ» بنا بر اختصاص را اثبات می کنند به عنوان شاهد مثال به «النازِلین» در شعر ذیل استناد می کنند:

«لا یبعدن قومی الذین هم \* أسد العداة و آفة الجزر»

«النازلین بكل معترک \* و الطیون معاقد الأزر»

با توجه به اینکه «النازلین» اگر صفت «آفة الجزر» باشد واجب است مرفوع شود، ولی شاعر بنا بر اختصاص «النازلین» را منصوب کرده و بعد از «النازلین» کلمه «الطیون» مرفوع است؛ زیرا عطف به «أسد العداة و آفة الجزر» است (صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴۱/۶؛ نحاس، اعراب القرآن: ۱۴۲۱: ۲۵۰/۱؛ فراهیدی، العین، بی تا: ۶۲؛ سیبویه، کتاب سیبویه و یلیه تحصیل عین الذهب، من معدن جوهر الأدب فی علم مجازات العرب، بی تا: ۲۹۰/۱)، ضمیری هم قبل از «النازلین» نیامده است. دیدگاه دوم: برخی نیز بر این باورند که جمله: «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» «عطف بر کلمه: «الرَّاسِخُونَ» است. اگر به حالت نصب آمده «الْمُقِيمِينَ» اسم منصوب مفعول به برای فعل محذوف از باب مدح است و تقدیر آن «أمدح الْمُقِيمِينَ؛ اقامه کنندگان نماز را مدح می کنم» است (دعاس، اعراب القرآن الکریم، ۱۴۲۵: ۲۳۵/۱؛ صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴۱/۶؛ نحاس، اعراب القرآن: ۱۴۲۱: ۲۵۰/۱؛ مدنی، الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة، بی تا: ۵۲۲؛ فراهیدی، العین، بی تا: ۶۲؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۱۸/۶) و جمله منصوب است نظر به سپاس از حال آن ها که همواره در پنج وقت نماز را پیاپی دارند و به اداء فریضه قیام می نمایند (حسینی همدانی، انوار درخشان، ۱۴۰۴: ۲۸۳/۴).

سیبویه و بصریان گفته اند: «از باب مدح است و تقدیر آن «أعنی الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» است. بنا بر تعظیم نصب گرفته است.» (درویش، اعراب القرآن و بیانہ، ۱۴۱۵: ۳۷۶/۲) و جمله «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» معترضه است که محلی از اعراب ندارد.» (دعاس، اعراب القرآن الکریم، ۱۴۲۵: ۲۳۵/۱). اشکال بر دیدگاه دوم: برخی می گویند: «جمله «أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا» خبر «الرَّاسِخُونَ» است. اگر «أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا» خبر باشد، منصوب بودن «وَالْمُقِيمِينَ» بنا بر مدح بعید است؛ زیرا مدح بعد از اتمام خبر می آید» (نحاس، اعراب القرآن: ۱۴۲۱: ۲۵۰/۱).

جواب اشکال بر دیدگاه دوم: برخی می گویند: «الرَّاسِخُونَ» مبتدا و جمله «يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ» خبر «الرَّاسِخُونَ» است» (صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴۰/۶؛ نحاس، اعراب القرآن: ۱۴۲۱: ۲۵۰/۱؛ دعاس، اعراب القرآن الکریم، ۱۴۲۵: ۲۳۵/۱). اگر «يُؤْمِنُونَ» خبر باشد منصوب بودن بر مدح صحیح است؛ بنابراین جمله «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» عطف بر جمله مستأنفه «الرَّاسِخُونَ... يُؤْمِنُونَ» است که محلی از اعراب ندارد» (صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴۰/۶).

دیدگاه سوم: بعضی دیگر گفته‌اند: عطف است بر کاف در کلمه: «مِنْ قَبْلِكَ» و معنای آیه این است که راسخان در علم به آنچه قبل از تو و قبل از نمازگزاران نازل شده ایمان می‌آورند» (نحاس، اعراب القرآن: ۱۴۲۱: ۲۵۰/۱؛ صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴۰/۶).

دیدگاه چهارم: قومی دیگر گفته‌اند: کلمه «الْمُقِيمِينَ» عطف است بر «هم» در کلمه «مِنْهُمْ» و معنای آیه چنین است که «لیکن راسخان در علم از اهل کتاب و از نمازگزاران چنین و چنان می‌کنند» (نحاس، اعراب القرآن: ۱۴۲۱: ۲۵۰/۱؛ صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴۱/۶).

دیدگاه پنجم: بعضی دیگر گفته‌اند: این کلمه عطف است بر کاف در کلمه «إِلَيْكَ» است (همان). اشکال بر دیدگاه سوم، چهارم و پنجم: این «سه وجه اخیر از نظر علمای بصری جایز نیست، چون آن‌ها جایز نمی‌دانند که اسم ظاهر بر ضمیر مجرور عطف شود؛ مگر آنکه حرف جری که بر سر ضمیر آمده دوباره بر سر اسم ظاهر بیاید و در آیه باید فرموده باشد: «بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَبِالْمُقِيمِينَ» و یا «مِنْ قَبْلِكَ وَ مِنْ قَبْلِ الْمُقِيمِينَ» و یا «بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الْمُقِيمِينَ» و چون در آیه چنین نشده این وجوه نادرست است.» (نحاس، اعراب القرآن: ۱۴۲۱: ۲۵۰/۱).

جواب اشکال بر دیدگاه سوم، چهارم و پنجم: از نظر علمای بصری جایز نیست، ولی نحویان غیر از علمای بصری جایز می‌دانند.

دیدگاه ششم: کسایی گفته است: «موضع کلمه «الْمُقِيمِينَ» مجرور است و عطف است بر کلمه «ما» در جمله: «بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» یعنی «و بِالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةِ» است و هر جا عامل جر از کلمه‌ای ساقط شود منصوب به نزع خافض است.» (شیخلی، اعراب القرآن الکریم، ۱۴۲۷: ۵۲۲/۲؛ ابن هشام، شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب، ۱۳۸۴: ۸۵).

اشکال بر دیدگاه ششم: برخی بر این ترکیب اشکال گرفته می‌نویسند: این ترکیب به معنای آیه ضرر می‌رساند. معنای آیه این است که راسخان در علم و مؤمنان بدان چه بر تو و بر انبیای قبل از تو نازل شده و به نمازگزاران ایمان می‌آورند.

جواب اشکال دیدگاه ششم: بعضی در جواب گفته‌اند: «الْمُقِيمِينَ» عطف است بر «بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» و مراد از «الْمُقِيمِينَ» پیغمبران یا ملائکه یا انمه اطهارند. «(ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ۲، ۱۵۵) برخی نیز گفته‌اند: انبیاء هستند» (ابن هشام، شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب، ۱۳۸۴: ۸۵). بنابراین نظر به معنای آیه ضرر نمی‌رساند.

بررسی اقوال: علاوه بر صحت اقوال مذکور به نظر می‌رسد اقوال شش‌گانه نه تنها با یکدیگر تنافی ندارند؛ بلکه با قاعده «الْجَمْعُ مَهْمَا آمَنَ أَوْلَى مِنَ الطَّرْحِ» یکدیگر را تائید می‌کنند. اگر بنا بر دیدگاه ششم

مراد از «المُؤْمِنِينَ» پیغمبران یا ملائکه یا ائمه اطهار باشد معنای جامع و کلی آن عبارت از: اقامه کنندگان واقعی نماز ما هستیم که مورد مدح واقع شده و راسخان در علم و مؤمنان بدان چه بر تو و بر انبیای قبل از تو نازل شده و به اقامه کنندگان نماز ایمان می آورند؛ زیرا کتب آسمانی و ائمه اطهار علیهم السلام ثقل یکدیگرند.

## ۲. ارزیابی روایات مبتنی بر خطاهای ادبی قرآن کریم

ارزیابی روایت منتسب به عایشه: صاحب مجمع البیان بر این باور است که روایت عایشه قابل اعتنا نیست زیرا اگر چنین بود صحابه این غلط‌های خطی را به مردم تعلیم نمی دادند و چگونه چنین چیزی ممکن است با اینکه آنان مقتدای مردم بودند و قرآن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفته بودند؟! (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۲۱۵/۳). همچنین «مسلمانان اجماع کرده‌اند این قرآنی که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل فرموده، همین «مابین اللدّین» است که اکنون در دسترس مردم است و چیزی بیشتر از آن نیست» (ساکي و شاکر، تواتر قرآن و چالش‌های فرارو، ۱۳۹۳: ۵۹ - ۸۴؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۲: ۶۶/۱۴۲۰) و جایز نیست که در کلام خداوند غلط باشد به همین علت نحویان وجه صحیح قراءت مشهور را ذکر کرده‌اند.» (ابن مالک، شرح الکافیة الشافیة، بی تا: ۷۶/۱).

ارزیابی روایت اول عثمان: با توجه به اینکه «ذات اقدس الهی قرآن را بر اساس فرهنگ محاوره نازل کرده است» (جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال، ۱۳۷۶: ۹۵). «گروهی کوتاه فکر که شیوه‌ها و اسلوب‌های کلام عرب را نمی شناسند توهم کردند که در مصحف شریف خطا واقع شده است به گمان اینان گویا بزرگان علم و ادب از این خطا غافل بوده‌اند. چگونه ممکن است رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحابه گرامی که از صمیم عرب و از سلامت سلیقه و فصاحت عرب آگاه بوده و کلام او را می شناختند این ادعای خطا بودن از نظر آنان پوشیده باشد» (صافی، الجدول فی اعراب القرآن، ۱۴۱۸: ۲۴۱/۶).

ارزیابی روایت دوم عثمان: قرائت «إِنْ هَذَا لَسَاحِرَانِ» مشهور است و «طعنه زدن به قرائت مشهور در روایت «إِنِّي لَأَسْتَحْيِي أَنْ أَقْرَأَ «إِنْ هَذَا لَسَاحِرَانِ» باطل است؛ زیرا اگر حکم به بطلان قرائت مشهور بشود جایز است که در کل قرآن این حکم جاری شود که به قرآن و متواتر بودن آن ضرر می رساند و خبر واحدی که از قرائت بعضی صحابه نقل شده است نمی تواند معارض با قرائت مشهور باشد» (ابن مالک، شرح الکافیة الشافیة، بی تا: ۷۵/۱؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۲: ۶۶/۱۴۲۰). همچنین «جایز بودن قرائت غیر مشهور نوعی زیادت و نقصان و تغییر را در قرآن به دنبال دارد و قرآن را از حجت بودن خارج می کند که با غرض اصلی نزول آن منافات دارد و هرچه غیر از قرائت مشهور باشد باطل است.» (ابن مالک، شرح الکافیة الشافیة، بی تا: ۷۵/۱).



دانشمندان معاصر نیز این مسئله را بیان و بر آن تأکید کرده‌اند که «قرآن متواتر است و بدون هیچ شک و شبهه‌ای واجب است به آنچه امروز در اختیار ماست، عمل کنیم. تواتر همیشه از راه حفظ و نگهداری در سینه‌ها امکان‌پذیر است و قرآن موجود طی اعصار و قرون و در جمیع طبقات علما و اندیشمندان مسلمانان به همین نحو نقل و قرائت شده است» (ساکي و شاکر، تواتر قرآن و چالش‌های فرارو، ۱۳۹۳: ۵۹ - ۸۴؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۲: ۶۶/۱۴۲۰). از طرفی در متواتر بودن قرآن «هیچ‌یک از نسل‌ها در اینکه این همان قرآنی است که پیامبر آورده است، تردید نکرده‌اند؛ یعنی افرادی که قرآن را با الفاظ، عبارات و اعراب‌گذاری آن برای ما نقل کرده‌اند، از نظر فراوانی به اندازه‌ای هستند که احتمال توطئه و توافق آن‌ها بر دروغ درباره‌ی ایشان تصوّر نمی‌شود» (ساکي و شاکر، تواتر قرآن و چالش‌های فرارو، ۱۳۹۳: ۵۹ - ۸۴). به‌علاوه در مباحث نحوی و اعرابی و بلاغی آیات قرآن خود متن قرآن باید داور و معیار مطالعه و تفسیر باشد مفسر، قواعد نحوی و بلاغی را بر آیات قرآن عرضه می‌کند و هرکدام از این قواعد را که با آیات سازگار بود می‌پذیرد و بقیه را مردود می‌شمارد نه آن‌که آیات قرآن بر قواعد عربی عرضه شوند آنگاه برای مطابقت قرآن با قواعد نحو و بلاغت به تأویل آیات دست بزنیم (اسعدی، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ۱۳۹۷: ۲/۳۰۷). از جمله مستشرقان، فیلیپ می‌نویسد: از حیث فصاحت و بلاغت هیچ کتابی به مقام قرآن نمی‌رسد، قرآن نخستین اثر منشور زبان عرب بود و هنوز نیز بهترین نمونه نثر عربی است و خارج از ضوابط زبان عربی نیست (کریم‌پورقراملکی و امینی، نقد دلایل مستشرقان در ادعای اغلاط نحوی قرآن، دو فصلنامه علمی قرآن‌پژوهشی خاورشناسان، ش ۲۷، ۱۳۹۸: ۹۵). کارلتون اس‌گون می‌نویسد: یکی از مزایای عظیم قرآن، بلاغت آن است (اعظم شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، ۱۳۸۶: ۱۱۶) جان دیون پورت می‌نویسد: موقع قیام محمد ﷺ فصاحت و بلاغت، دارای اهمیت و شعر و خطابه در اوج اعتبار بود که محمد ﷺ با تحدی، قرآن را معجزه و دلیل رسالتش اعلام کرد (دین‌پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد ص و قرآن، بی‌تا: ۶۹).

## نتیجه

از مجموع مباحثی که در این مقاله بیان شد، نتایجی به شرح ذیل به دست آمد:

در پاسخ انگاره‌های دکتر سها، ضمن بررسی و تتبع در لغت عرب و قواعد آن، اقوال متعدد نحویان و مفسران فریقین بیان و ارزیابی شد. آنچه در این پژوهش محقق شد: در (طه/۶۳) از بین اقوال مذکور آنچه مرجح و مشهور است. اینکه «إِنْ» مخففه از ثقیله و مهمله است. در (نساء/۱۶۲) علاوه بر صحت اقوال شش‌گانه ادیبان نه تنها اقوال با یکدیگر تنافی نداشتند؛ بلکه باقاعده «الْجَمْعُ مَهْمَا أَمَكْنِ أَوْلَىٰ مِنَ الطَّرْحِ» یکدیگر را تأیید کردند. در انگاره سوم روابط هم‌نشینی و تأثیرپذیری واژگان از یکدیگر باعث شد که واژه «الصَّابِئِينَ» (بقره/۶۲) به مناسبت هم‌جواری با «النَّصَارَى» که مفردش نصرانی است؛ منصوب شود، همان‌سان که میان «هاذوا» و «الصَّابِئُونَ» (مائده/۶۹) تناسب لفظی برقرار است. علاوه بر اینکه در مباحث نحوی و اعرابی و بلاغی آیات قرآن، متن قرآن داور و معیار است. باید قواعد سازگار با آیات را پذیرفته و بقیه را مردود شود؛ نه آن‌که آیات قرآن بر قواعد عربی عرضه شوند آنگاه برای مطابقت قرآن با قواعد نحو و بلاغت، آیات تأویل شوند.

همچنین به دست آمد که دکتر سها از روش (گام‌به‌گام) استفاده کرده و با به کار بردن این روش ابتدا بیان می‌کند که در قرآن خطاهای نوشتاری فراوانی است پس از طرف خداوند نیست. او با اثبات عدم حیوانی بودن قرآن، وجود خداوند و نبوت را انکار نموده و ساختگی بودن مذاهب به دست بشر را نیز اثبات کرده است.

همچنین به دست آمد که اظهار نظر چند پژوهش‌گر ناآشنا با زبان عرب نمی‌تواند معیار سنجش فصاحت و بلاغت آیات الهی به شمار آید. آنچه مبرهن است نقد نویسنده به قرآن، متوجه پیامبر ﷺ و کاستی و ناسازگاری در قرآن نیست؛ بلکه کنایه‌آمیز است و در نهایت معترض وجود خداوند است. در نتیجه با تواتر و عدم خطا در نوشتار قرآن ضمن اثبات اعجاز بیانی آن و احراز عدم شبهه، ادعای مستشرقان نیز باطل شد تا مخاطبین با اطمینان خاطر سیر و سلوک معنوی را طی کرده و به هدف غایی از نزول قرآن دست پیدا کنند.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، اسوه، قم: ۱۳۸۳.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵.
۳. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۴. ابن مالک، محمد بن عبد الله، شرح الکافیة الشافیة، دار الکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۵. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب، دارالکوخ، تهران: ۱۳۸۴.
۶. ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، دار الفکر، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۷. اسعدی، محمد، جمعی از محققان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، آسیب شناسی جریان های تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چاپ سوم، ۱۳۹۷.
۸. اعظم شاهد، رئیس، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، انتشارات مرکز جهان اسلامی، قم: ۱۳۸۶.
۹. بلاشری، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸.
۱۱. پرسمان دانشگاهیان، «باورمندی به قرآن و سنت در نقد دکتر سها»، ۱۳۹۴.  
<https://www.porseman.com>
۱۲. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، انتشارات برهان، تهران: چاپ سوم، ۱۳۹۸.
۱۳. جفری پاریندر، جان، دین پژوهی تطبیقی، ترجمه: جمشید آزادگان، سیب سبز، تهران: ۱۳۸۹.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال، اسراء، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۱۵. حسینی همدانی، سید محمد، انوار درخشان، نشر کتابفروشی لطفی، تهران: ۱۴۰۴.
۱۶. داوری دولت آبادی، مهدی؛ خانی مقدم، مهیار؛ فرهادیان، صدیقه، «تحلیل انتقادی انگاره خطاهای نحوی (مرفوعات و منصوبات) قرآن در کتاب نقد قرآن»، شبیه پژوهی مطالعات قرآنی، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۱۷. درویش، محیی الدین، اعراب القرآن و بیانه، دارالارشاد، سوریه: چاپ چهارم، ۱۴۱۵.
۱۸. دعاس، حمیدان، قاسم، اعراب القرآن الکریم، دارالمنیر و دارالفارابی، دمشق: ۱۴۲۵.
۱۹. دکتر سها، نقد قرآن، دیجیتال، DRsoha2012gmai.com

۲۰. دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد ص و قرآن، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی، دارالتبلیغ، قم: بی تا.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن جلد چهارم، جامعه المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۲۲. رضوان، عمر بن ابراهیم، رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، دار طیبه، ریاض: چاپ اول، ۱۴۱۳.
۲۳. زمانی، محمدحسن، «مفهوم شناسی، تاریخچه و دوره های استشراف»، مجله قرآن و مستشرقان، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵.
۲۴. ساکی، نانسی؛ شاکر، محمدکاظم، تواتر قرآن و چالش های فرارو، سراج منیر، دوره ۵، شماره ۱۷، دی ۱۳۹۳.
۲۵. سیوطی، جلال الدین، البهجه المرضیه، اسماعیلیان، قم: چاپ پنجم، ۱۳۶۸.
۲۶. سیبویه، عمرو بن عثمان، کتاب سیبویه و یلیه تحصیل عین الذهب، من معدن جوهر الأدب فی علم مجازات العرب، موسسه اعلمی، بیروت: چاپ سوم، بی تا.
۲۷. شرتونی، رشید، مبادئ العربیه، دار العلم، قم: دوره نهم، ۱۴۲۳.
۲۸. شیخلی، بهجت عبدالواحد، اعراب القرآن الکریم، دار الفکر، بیروت: ۱۴۲۷ ق.
۲۹. صافی، محمود بن عبد الرحیم، الجدول فی اعراب القرآن، دارالرشید، بیروت: چاپ چهارم، ۱۴۱۸ ق.
۳۰. صفایی حائری، علی، استاد و درس، لیلۃ القدر، قم: ۱۳۸۱.
۳۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۳۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۲.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۵. عبدالحمیدی، حسین، مستشرقان و پیامبر اعظم، نشر المصطفی، قم: ۱۳۹۲.
۳۶. علی الصغیر، محمدحسین، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، دار المؤرخ العربی، بیروت: ۱۴۲۰.
۳۷. الغلابینی، مصطفی، جامع الدروس العربیه، بی جا، بیروت: ۱۳۳۰ هـ.



۳۸. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۰.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، الجمل فی النحو، استقلال، تهران: بی تا.
۴۰. کریم پورقراملکی، علی و محمد امینی، «نقد دلایل مستشرقان در ادعای اغلاط نحوی قرآن»،  
دوفصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال چهاردهم، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۴۱. مدنی، علیخان بن احمد، الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة، ذوی القربی، قم: بی تا.
۴۲. معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، منشورات ذوی القربی، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۴۳. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، دار الکتب الإسلامیة، تهران: ۱۴۲۴ ق.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۴۵. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، دار الکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۲۱ ق.
۴۶. نیشابوری، محمود بن ابو الحسن، ایجاز البیان عن معانی القرآن، دار الغرب الاسلامی،  
بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۴۷. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دارالکتب  
العلمیة، بیروت: ۱۴۱۶.
۴۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، بوستان کتاب، قم: چاپ پنجم، ۱۳۸۶ ش.
۴۹. هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه: عبدالکریم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران:  
۱۳۶۹.



## Resources

1. *The Holy Quran*, Translated by Hossein Ansarian, Uswa, Qom: 2004.
2. A'zam Shahid, Raees, *The Miracle of the Quran from the Perspective of Orientalists*, Islamic World Center Publications, Qom: 2007.
3. Abdul Muhammadi, Hossein, *Orientalists and the Great Prophet*, Al-Mustafi Publishing House, Qom: 2013.
4. Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*, Dar al-Fikr, Beirut: 1420 A.H
5. Al-Ghalayini, Mustafa, *Comprehensive Lectures on Arabic Language*, n.p., Beirut: 1330 AH.
6. Ali al-Saghir, Muhammad Hossein, *Orientalists and al-Quran Studies*, Dar al-Mu'arrikh al-Arabi, Beirut: 1420.
7. Alousi, Seyyed Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani in Tafsir al-Quran al-Azeem*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1415.
8. Asa'adi, Muhammad, A group of Researchers from the Hozheh (Seminary) and University Research Institute, *Pathology of Interpretive Currents Movements*, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 3<sup>rd</sup> Edition, 2018.
9. Baydawi, Abdullah bin Omar, *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Tawail*, Dar Ihyaya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1418.
10. Blachère, Régis, *On the Threshold of the Quran*, Translated by Mahmoud Ramiyar, Islamic Culture Publishing Center, Tehran: 4<sup>th</sup> Edition, 1995.
11. Da'as, Hamidan, Qasim, *I'rab of the Holy Quran*, Dar al-Munir and Dar al-Farabi, Damascus: 1425.
12. Darvish, Mohy al-Din, *I'rabs of the Quran and Its Explanation*, Dar al-Irshad, Syria: 4<sup>th</sup> Edition, 1415.
13. Davari Dolatabadi, Mehdi, Khani Moqaddam, Mahyar; Farhadian, Siddiqa, "Critical Analysis of the Concept of Syntactic Errors (Marfu'at and Mansubat) of the Quran in the Book of Quran Criticism", *Sufism of Quranic Studies*, 1<sup>st</sup> Year, No. 1, Autumn and Winter 2019.
14. Davenport, John, *Excuse of Guilt before Muhammad and the Quran*, Translated by Seyyed Gholamreza Sa'eedi, Dar al-Tabligh, Qom: n.d.



15. Dr. Soha, *Commentary on the Quran*, Sofat Format, Dr. soha2012@gmail.com
16. Fakh Razi, Muhammad bin Omar, *Mafatih al-Ghayb (Keys of Hidden World)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 3<sup>rd</sup> Edition, 1420.
17. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Sentences in Saytax*, Istiqlal, Tehran: n.d.
18. Geoffrey Parrinder, John, *Comparative Religious Studies*, Translated by Jamshid Azadegan, Sib Sabz, Tehran: 2009.
19. Hashimi Rafsanjani, Akbar, *Tafsir Rahnama*, Bustan Kitab, Qom: 5<sup>th</sup> Edition, 2007.
20. Hosseini Hamadani, Seyyed Muhammad, *Anwar Derakhshan*, Lotfi Bookstore Publishing, Tehran: 1404.
21. Hume, Robert, *The Living Religions of the World*, Translated by Abdul Karim Tashet, Islamic Culture Publishing Center, Tehran: 1990.
22. Ibn Atiyyah Andalusi, Abdul Haq bin Ghalib, *Al-Muharrar al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1422 AH.
23. Ibn Hisham, Abdullah bin Yusuf, *Commentary on Shuzur al-Dahaab on Arabic Language*, Dar al-Kukh, Tehran: 2005.
24. Ibn Malik, Muhammad bin Abdullah, *Sharh al-Kafiyah al-Shafiah*, Dar al-Kutub Al-Ilmiyyah, Beirut: n.d.
25. Javadi Amoli, Abdullah, *Woman in the Mirror of Beauty and Majesty*, Esra, Qom: 2<sup>nd</sup> Edition, 1997.
26. Karimpour Qaramaliki, Ali and Muhammad Amini, "Criticism of Orientalists' Reasons for Claiming Syntactic Mistakes in the Quran", Bi-Annual Journal of Orientalists' Quranic Research, Year 14, Number 27, Autumn and Winter 2019.
27. Ma'rifat, Muhammad Hadi, *Concise of al-Tamhid*, Zawi al-Qurabi Publications, Qom: 2<sup>nd</sup> Edition, 2012.
28. Madani, Alikhan bin Ahmad, *al-Hadaiq al-Nidayyah fi Sharh al-Fawad al-Samadiyyah*, Zawi al-Qurabi, Qom: n.d.
29. Makarem Shirazi, Nasser, *Tafsir Nemouneh (The Ideal Exegesis)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1995.
30. Mughniyah, Muhammad Javad, *Tafsir al-Kashif*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1424 AH.
31. Nahas, Ahmad bin Muhammad, I'rab al-Quran, Dar al-Kutub Al-Ilmiyyah, Beirut: 1421 AH.



32. Neyshaburi, Mahmoud bin Abu al-Hassan, *Ijaz al-Bayan an Ma'ani al-Quran (Miracle of Quran on the Meanings of the Quran)*, Dar al-Gharb al-Islami, Beirut: 1415 A.H.
33. Neyshaburi, Nizam al-Din Hassan bin Muhammad, *Tafsir Gharaib al-Quran wa Raghayb al-Furqan*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1416.
34. Porseman Danishgahiya, "Belief in Quran and Sunnah in Dr. Soha's Criticism", 2015.  
<https://www.porseman.com>
35. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, *Logic of Quran Interpretation Volume IV*, Al-Mustafa University, Qom: 2<sup>nd</sup> Edition, 2014.
36. Rizwan, Omar bin Ibrahim, Rizwan, *Opinions of Orientalists about the Holy Quran and Tafsir*, Dar Tayyabah, Riyadh: 1<sup>st</sup> Edition, 1413.
37. Safai-Haeri, Ali, *Teacher and Course*, Laylah al-Qadr, Qom: 2002.
38. Safi, Mahmoud bin Abd al-Rahim, *Al-Jadwall fi I'rab al-Quran*, Dar al-Rashid, Beirut: 4<sup>th</sup> Edition, 1418 AH.
39. Saki, Nancy; Shakir, Muhammad Kazim, *Massivness of the Quran and Future Challenges*, Siraj Munir, Volume 5, Number 17, December 2014.
40. Shartuni, Rashid, *Mabadi al-Arabiyyah*, Dar al-Ilm, Qom: 9<sup>th</sup> Edition, 1423.
41. Sheikhli, Bahjat Abdulwahid, *I'rabs of the Holy Quran*, Dar al-Fikr, Beirut: 1427 AH.
42. Sibawayh, Amr bin Othman, *Kitab of Sibawayh and Yalihi Tahsil Ayn al-Zhahab, min Ma'din al-Jawhar al-Adab fi Ilm Majazat al-Arab*, A'lami Institute, Beirut: 3<sup>rd</sup> Edition, n.d.
43. Suyuti, Jalaluddin, *Al-Bahjah al-Mardiyyah*, Ismailian, Qom: 5<sup>th</sup> Edition, 1989.
44. Tabari, Abu Jafar Muhammad bin Jarir, *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Dar al-Ma'rifah, Beirut: 1412.
45. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Nasir Khosrow Publications, Tehran: 3<sup>rd</sup> Edition, 1993.
46. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, *Al-Mizan in Tafsir al-Quran*, Islamic Publications of Qom Seminary Community of Teachers, Qom: Fifth Edition, 1417.
47. Thaqafi Tehrani, Muhammad, *Tafsir Rovani Javaid*, Burhan Publications, Tehran: 3<sup>rd</sup> Edition, 2019.
48. Tusi, Muhammad bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
49. Zamani, Muhammad Hassan, "Terminology, History and Periods of Orientalism", Quran and Orientalist Magazine, 1<sup>st</sup> Issue, Winter 2006.